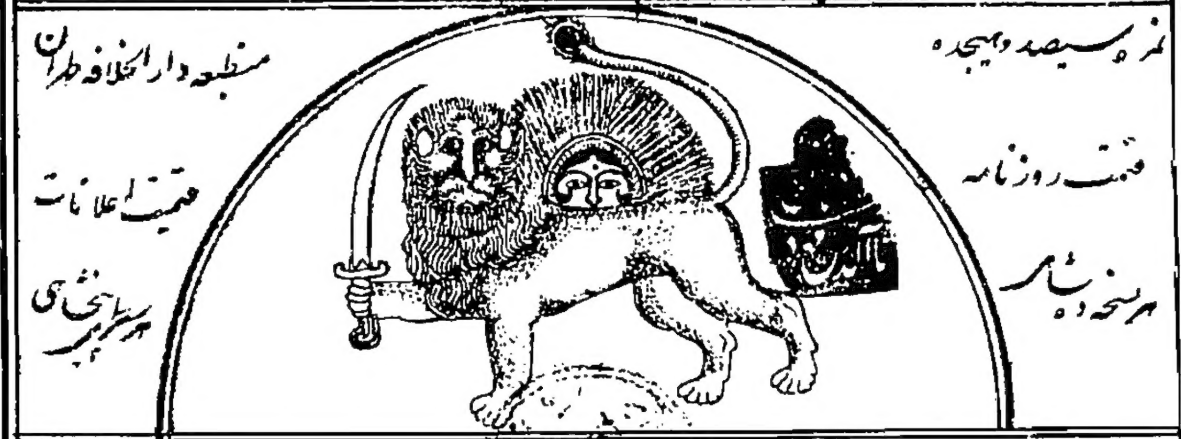


روزنامه قایم انفاقیه نیایش یوم هشتم شهر ربیع الثانی ۱۳۰۹



اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون جناب قحمت نصاب نظام الملک سواره خان
قدس سره یون را حسن خدمات خود خرسند داشته
در رسیدگی بحاجات ولایات و ایرادات همچو وقت
و احوال نمود خاصه این اوقات که نزدیک عید نوروز و در
ساعات شبانه روز با مستوفیان عظام اوقات خود را
صرف انجام و اتمام حاجات ولایات نموده لهند کما
قدس سره یون محض ظهور و فور التفات مرحمت ملوکانه در
جانب معنی الیه بکثوب باده ترمه شمشه دار مرصع طلوع
تن مبارک را با مقتضای سردی هوا بجناب معنی الیه
مرحمت فرمودند
چون میرزا صادق قایم مقام احضار دربار گردون
هایون شده جرب امر قدر قدر علیحضرت قضا
شاهنشاهی صان لسانم شوکته عن لسانهای قدیمی قدو
دولت ابدارم مؤمن سلطان مقرب الخاقان
میرزا فضل الله وزیر نظام که سابقا نیز در آذربایجان

و بامدم آنجا حسن معاشرت و سلوک خود را بطل آورد
الهی لمده و بلوک را از حسن سلوک خود راضی داشته بود
به پیشکاری کل مملکت آذربایجان اعم از امور قشون و عیالیا
مأمور و منصوب گردیدیم موازی بکثوب خرقه ترمه شمشه
شمسه مرصع از طبوس تن مبارک بر شمع از جانب
سنی ایچو انبک یون در حق و حمت گردید
روسا و سرداران افغانه که در این اوقات بدر بارها
هایون آمده اند از جانب سنی ایچو انبک ملوکانه کمال
در باره هر یک از آنها مبنی دل افتاده امنای دوله علیه
مقربان حضرت گردون لطف سینه نیر سینه آنها ضیافتها
سنگین جنب ترتیب داده و آنها را با بعضی از اعیان و اکابر
چاکران در بارهایون که قریب خواجه شصت نفر مجلس شرف
چهارصد و پانصد نفر و سته و متعلق دعوت مکان می شد
در منازل خود و کاینهای خوبه دند و ایکو ضیافتهای سنگین
در دارالخلافه که اتفاق افتاده بود سرداران افغانه ازین ضیافتها
خیلی مخطوط گردیدند
سایر ولایات

بطام و شاهرود

از قراریکه در روزنامه بطام و شاهرود نوشته اند خبر
اجبار جنگ با قشون انگلیس که با نولایت رسیده بود
از انالی آنجا بقدر هزار نفر مردان کاری داد و طلب
جهاد فی سبیل الله و جانفشانی در راه دین و
دولت شده همه با اسباب جنگی و سلاح
تفنگچیان رنبد و خوب در نزد مقرب الخاقان
حاکم آنجا سان داده و مستعدی بوده اند که بعد از
سان عازم در بار جهاندار شاهنشاهی خلد الله ملکه و
شوند که بهر طرف که مأمور گردند اقدام نمایند ولی
مقرب الخاقان مشا را لیه بعد از آن آنها را با وطن
خودشان مرخص کرده است که مهیا و مترصد حکم
اولیای دولت علییه باشند که هر وقت حکم
برسد بدون درنگ حرکت کنند
دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفرقلیان
حاکم استرآباد و بخجورد در محبت و دویم حمادی
با سواره و جمیعت خود وارد شاهرود گردید مقرب
خان محمد خان لوازم استقبال و احترام را بعمل آورده
تا سه روز که سواره و جمیعت مزبور در آنجا توقف داشتند
بر اسم مهنداری و صیافت برداخته کمال
در باره آنها معمول داشت
دیگر نوشته اند که چون مدتی بود که بارندگی در آنولایت
نشده بود غله و اجناس ترقی کرده و رعایا تیش را
غله داشتند ولی از تفضلات جناب قدس الهی از
عزه حمادی الثانی الی بیت و دویم بارندگیهای

۲۰۹۰

شده امید واری تمام بجهت صاحبان املاک و زراعت حاصل
شد و نرخ غله نیز بواسطه این بارندگیها تنزل کرده اند
شد

دیگر نوشته اند که امسال ناخوشی در میان کا و ما در آنولایت
افتاده مانند ناخوشی و با اغلب کا و ما این ناخوشی تلف
می شوند و بعضی بیم که خوب میشوند معالجاتی که و بانی را
معالجه میکردند معالجه میشوند و همچنین کوزن و شکار کوهی و
آهوی صحرائی بهین مرض مبتلا گردیده بسیار تلف شدند

دیگر نوشته اند که در اوایل ماه جمادی الاول در کوه پیاپی
قریب بغرب ستاره بسیار درشتی از سمت مشرق ظاهر شده
و بسمت مغرب کشیده شد بواسطه السماء که رسید صدایی
میبی از او استماع شد بطوری که گویا بیت توب بزرگ میگفت
خالی کردند بعد از آن کشیده شد بسمت مغرب غروب کرد
و نیز در غره شهر حمادی الثانی غریب صبح در سمت غربی مقرب
شاهرود اشتیاقی که بجهت مناجات و شب خوانی بالای
با مارقان بودند و ششانی استش ملاحظه نمودند که از زمین
آسمان متصاعد بود و بعضی روشنائی او تافه بود که همه
قبیله شاهرود و صحرائی آن اطراف را مانند روز روشن
کرده بود و این روشنائی تا نیم ساعت امتداد داشت
بعد از آن موقوف گردید و در شب دویم نیز همان وقت
باز روشنائی مزبور از همان سمت مانند شعله آتش هوا
متصاعد و تا نیم ساعت امتداد یافته اطراف را بطریق
شب سابق روشن کرده بود که همه اهل شاهرود دیده
کردند بعد از آن دیگر ظاهر نشد

کرماتشان

از واریکه در روزنامه کرماتشان نوشته اند در پیش
و جدی مطلقا بارندگی و آن دلالت نشد و مردم
داشتند که خدا بخوابسته کرانی نبود لکن از اول تحویل
شمس بروج دلتو تائیکاه باران و برف پیای هم در
دوم در بلوکات و کرمیات زیاد آمد بطوری که در اکثر
بیلقات که معابر قوافل و مترددین است راه آمد و شد
مسدود شده بود و ملی هوا خدان برودت نه داشته
خصوصا هوای دارالدوله کرماتشان و آن اطراف
که در کمال ملایمت و مانند هوای بهار گذشته است
ازین بارندگی نهایت خرسندی و امیدواری بجهت
صاحبان الماک و اهل زراعت حاصل گردیده نشود
که بجهت خشکسالی داشتند رفع شد

دیگر نوشته اند که امور انولایت اخسن مراقبت نواب
مستطاب هزاره و الالباعه و الدوله حکمران کرماتشان
قرین انظام و انضباط است و در نظم دلالت و رفاه
آسودگی سپاهی و رعیت کمال اهتمام را معمول میدارند و
امور شهر و محلات منظم و سرف و شرافت بسیارند
اتفاق می افتد و همچنین طرق و شوارع نهایت امنیت و نظام
دارد و سواره مستحفظ و قواسوزان در راهها بخطر و حرا
مشتولند و زوار و قوافل در نهایت آسودگی و خاطر جمعی
عبور و مرور می نمایند

دیگر نوشته اند که نواب مغربی الیه با امور نوکر متوقف انولایت
اظم از افواج نظام با سواره نهایت دقت و رسیدگی
نمایند و هر روز دسته دسته از صنفی را سان مید

ملاحظه نمیکند و بچاق و اسب و اسباب آنها را نموده که تمام
از هر چیز کسر داشته باشند مقرر داشته اند که در تنگ
و موجب سرباز و توپچی و غیره را با مستحضرات عالیه
محمد خان نوری علامه پیچیدمت که از دربار بهایون نامور
برسیدن سان و موجب نوکرانجا بود و کلا پر داخته دوز
لوازم و مدارک آنها نفیست

دیگر نوشته اند که سوای شش هزار نوکر دیوانی که در کرماتشان
استند از املی و ایلات انولایت چهار هزار نفر سواره
و تفکیکی زبده بخدمت مقابله با دشمنان دین مبین و مجاهد
با مخالفان دولت ابد این خدمت نواب مستطاب علامه
آمده سان دادند و مستدعی ازین و اجازت شدند که
مدر بار بجهت امداد شاهی آمده بهر طرف مامور شوند
نمایند نواب مغربی الیه کمال عطف و رافت او بای
دولت علیه را با آنها اظهار داشته مقرر داشتند که در
اماکن و اوطان خود ساکن بوده منتظر حکم محبذ از جانب
اولیای دولت علیه باشند

دیگر نوشته اند که مقترب الخاقان حاجی محمد خان پیچیدمت
بهایون که از جانب سنی ابجواب ملوکانه ذورات و بدایه
روضه تبرک جناب امیر المومنین علی ابن ابی طالب صلوات الله
میلر و ارد کرانسان شده نواب مغربی الیه لازمه احترام را
در باره او معمول داشته و در وقت حرکت آدمی مخصوصا
خود همراه او روانه نموده اند که در جمیع منازل مراقب احترام
در عایت جانب مشار الیه باشد و نیز مقرر داشتند که عالیجناب
سجای نیز بابت نفر سوار قابل تا بغداد و با عالیجاه مشار
همراهی نماید

هرات

از قراریکه در روزنامه هرات نوشته اند عیاجا مقرب الخاقان
حسین خان که حامل خلع و نشان بجهت نواب مستطاب هرات
والا با حاکم سلطنت حکمران مملکت خراسان و سایر سران و
صاحب منصبان عساکر منصوره هرات از دربار جهان مد
تایون بود و در مقدم جادی الاول بانجا رسیده نواب
معزی الیه بجهت توقیر و احترام خلع آفتاب شعاع خود و مقرب
قوام الدوله و سایر و سران به تملیک فرسخ با استقبال شرف
بعد از لوازم توقیر و احترام مباح که در بیرون شهر هرات
آمده اند و در آنجا خلعت پوشان نموده و خلع سران و صاحب
عساکر منصوره و امانی و اعیان هرات را هم که از دربار جهان
مقصوب مقرب الخاقان شارالیه حیرت و در روزنامه آن
مستطاب نوشته شده بود بهر یک هر یک داده و زیپ
و مباحات نمودند و اجرای شکر توپ کرده و دیده خان
مهر لعلان مبارک که از مصدر سلطنت غطی بافتی نواب معزی
و عساکر منصوره و امانی بهر شرف صدور یافته بود و در آن
مجمع که همگی حضور داشتند با و از بلند خوانده شده مراتب
و عنایت سرکار قدس تایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطنت
در حق رعیت و سپاهی کوشش و خاص عام کرده و همگی
بدعا کونی وجود فایض اسبوح و ملوکانه صد بلند نمودند و بعد از
شریعت و شیرینی و شیلان حوالی عصر نواب پاره باده پاک
مراجعت نمودند و سایر اهل سلام هم برودش را بخلع آفتاب
شعاع و نشانهای نشان زیب و زینت داده در کمال
و شادمانی بمنزل و اماکن خود حجت نمودند
دیکر نوشته اند که نواب مستطاب حاکم سلطنت عیاجا میرزا محمد

مستوفی هرات حکم نمودند که لوگرای قدیمی آنولایت از قبیل طایفه
فارسی از جماعت افشار و ریشوند و شامو و جامی و بسند و قبا
و غیره همه را مستحق و حاضر نماید که در امر موجب آنها را داده و
عساکر نظام نمایند عیاجا شارالیه هم آنها را مستحق نموده و هر
دسته را خدمت نواب هرات داده و آورده ان میباید و کار گذاران
نواب معزی الیه بتدقیری نمایند از خراج طایفه فارسی امیر
عباس خان و میر تقی حیدر قلیخان و از طایفه افغان میر تقی
محمد خان که از طایفه بابوری و در بیرون شهر قبل از فتح هرات
مصدر خدمات شده بودند ان دادند و در این روزها
موجب قلعک سر باری و طبوس آنها داده خواهد شد که در
عساکر حضرت آثار شاهنشاهی ابد الله جیش کرده و منقول شد
و هم چنین عیاجا میرزا محمد حسین مستوفی و مباحش برین
حکم شد که صورت داد و ستد و جمع و یوانی هرات را از
بلوکات بقراریکه در ایام مرحوم پیر محمد خان نظیر الله و له تسبیح
بود با اتفاق عیاجا میرزا محمد خانی مستوفی و کار گذاران نواب
معزی الیه مشخص نمایند و مواجب و رسوماتی هم که از آن اوقات
در حق هر کس از امانی آنجا مقیم و برقرار بود مشخص کنند تا حکم
آن از جانب نواب معزی الیه شده از اقرار معمول و در روز
حسب الحکم نواب معزی الیه حاکم کشیدند که کوچا و بازار را از
پاکیزه و تمیز نمایند و هر کس در خانه و حد و خود را صبح و عصر
نماید که پاکیزه باشد و نیز حسب الحکم حاکم کشیده شد که طایفه
منهای بکلی موقوف و ممنوع باشد و چند نفر نهایی خشک
در شهر بودند همگی را از شهر اخراج کرده و تا پنج فرسخ بیرون
شهر برده سپرده از امانی آنجا انعام کر فستند که آنها را از آنجا
هم دور کرده و غنیمت با که دیگر هرات نمایند

اخبار دول خارج

اصلاح نمایند

از قرار یک نوشته اند در پاریس چون آب کواری خوب
موافق مطلوب یافت نمی شد و گذشته از بی آبی مالی پاریس
و چاراضطراب می شدند بجهت دفع این فتره دول قبل ازین
یک قومانی بزرگ ترتیب و تشکیل داده با اسباب بجهت
آهنی که آرتیزین می نامند در جوار پاریس و محل پاریس نام
بکندن چاه مبادرت کرده بودند از آنوقت تا کنون ازین
ذرع متجاوز زمین حفر کرده اند گذشته از اینکه آبی که در آن
موافق مطلوب نیست کفایت حقیقت این نمی کند و قرار گذاشته
تا صد و پنجاه ذرع دیگر نیز حفر نمایند چون بحال کوه بزرگ
سجرتنیک بزرگ باید باشد اگر چه این یکصد و پنجاه ذرع را
نیز خواهند کندی و در نیت که آبی که از او بیرون بیاید
آب سجرتنیک بزرگ باشد و بجهت بلخی کار بخورد

چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته بودند بحسب تعقد
دول فرانسه و روس و سپس از جانب دولت یونان بنا
از صرافان نخلیس و جی قرض شده بود بجهت کمی مالیات یونان
ادای این قرض مقدور دولت یونان نشد بود سهیل است که
از نفع این خواه نیز چیزی ممکن شده بود بد بجهت اصرار صرافان
مزبور و مطالب طلب خود چهار سال قبل ازین نفع نخواهد بود
از جانب دولتین روس و فرانسه داده شده و چون کمی
یونان بدرجه کمال رسیده است بجهت ندادن نفع این پول
درین سال از جانب دولت یونان مذکور رسیده نوشته
در این اوقات از جانب دول مزبور مامورین و در آن
پای تخت یونان یک قوسون ترتیب داده میشود که وارد
و مصارف دولت مزبور احتاج و امورات مالیات آنجا

دوازده سال قبل ازین از جانب دولت فرانسه موسس و بنیان
مباموریت بچین رفته بود در این اوقات شارالیه باز بشار
مخصوصه قرار شده است بچین برود و بجهت تحصیل فنون و صنایع
از مزوران فرانسه هم چند نفر همراه شارالیه روانه
خواهند شد

در روز و هم ماه ربیع الثانی از صاحب مضبان عساکر دولت
ناپولی بقورخانه در جانی که بام و ط بوده و نفر رفتن کرد و
تخمیناً دویست و سه هزار بار و ط که در آنجا بوده است قشکر و
روز تعطیل بوده و از عکس جات کسی در آنجا نبوده است فقط عکس
و نفر صاحب مضب باده نفر دیگر که در آنجا بودند تلف شده

در روز نامه دبا به فرانسه نوشته اند که نایب الایاله مصر
بنیاد داشته است که بطرف جنوب ولایت مصر سفر نماید بجهت
رسیدن کی امور ولایت و رعیت زیرا که مذکور بوده است که حکام
آنجا با برعیا ظلم و تعدی می نمایند لهذا اراده دارد که رفته آنجا
نظم داده مرخص نماید

دیگر نوشته اند که عدد اشخاصی که در راه های آبن و زمینی
مزدورند از سی و دو هزار نفر زیادتر هستند و چون راهها
ساخته میشود تا شش و دوازده هزار نفر خواهند رسید از عجب
مخارج که در راه آبن شده است این است که پلی در بالای
رودخانه رون که تقریباً سیصد و پنجاه ذرع طول آن است
ساخته اند و یک کرد خرج آن شده است و چندین در رودخانه
دیگر ساخته اند که در هر یک بقدر دویست و هزار تومان مخارج شده
و یک راه دیگر از میان کوه کده شده از شهر لیون تا پاریس که چهار
هزار ذرع طول آن است و قریب دو کرد در آن راه خرج کرده اند

از آن داده است که هر کدام بخوانند در ملک خدمت گیرند
دولت فرانسه در آید با موافقی که دارند چیزی هم مساعد
بآنها داده خواهد شد

دیگر نوشته اند که دو نفر از اعضای مجلس دولت ناپولی
چند و پیش ازین سببی بعضی سباب ترک ماموریت کرده
و بدات و قمار با بین شهرهای مالرو و مسینه که در جزیره
سیسیلیا واقع اند رفته مالی اینجا را تحریک بیاعتمادی
نموده و آنها نیز رفع لواهی عصیان بدولت ناپولی نمودند
و مؤخر این حالت با مالی آن دو شهر نیز سرایت کرده و آنها
و از آن گوزنه نیز و فرقه شده فرقه با عیان بشهرهای نابور
هجوم آورده این کیفیت را پادشاه ناپولی که مستحضر شد
مقدار وافی قشون با اینجا و ستاده و با مالی مرقوم یک
مدتی حرب کرده بعد در بیت نفراز آنها تلف بعضی دیگر
نیز گرفته شد بجانب ناپولی ارسال شد و بجهت گرفتن
آن دو نفر که از اجرای مجلس بودند و در اینجا محکوم
و مایه افشاش شده بودند از جانب دولت ناپولی زیاد
اتهام شده ولی فرار کرده پنهانند

دیگر نوشته اند که یک کشتی بخاری پسته فرانسه در رود
فراخای مالت شبانه بیک کشتی شرع دار یونان برخورد
از شدت تلاطم آنها بیکدیگر کشتی شرع دار زیاد شکست
و فی الغرض قرق گردید و مالی آن یکی بکشتی بخاری پسته
که یک نفر از آنها که تلف شده بود

دیگر نوشته اند که یک کشتی پسته فرانسه با یک کشتی
تونس شکست شده پاشای تونس کشتی بخاری داده ان کشتی را ببلک کاه
آورده و مالی او را بکشتی نده با سالیار وانه کرده است

دیگر نوشته اند که راه آنی از شهر ویتون بشهر ماسیلر ختم
که چهار هزار و چهار صد ذرع طول دارد تخمیناً دو و نیم حج
شده است

دیگر نوشته اند که امپراطور استریتیه بعد از شش نفر از مقصود
که در شورش آنولایت افشاش کرده بودند در این اوقات
تقصیر آنها را بخشیده و اعلان رنجودان رو کرده است

در روزنامه یونان نوشته اند که چند و پیش ازین در محل
لوا و به نام بعد چهل نفر از عابرین سیرفته اند جمعاً قطاع
بر سر آنها ریخته همه را برهنه کرده بودند حتی مفت نفراز
آنها را کوش و بینی بریده بودند و بجهت انتشار این اخبار
و مرور باز بملکت یونان مکل شده است بجهت دفع شر
این درزدان از جانب دولت یونان زیاد اهتمام شده
چند و پیش ازین سیزده نفر دزد گرفته شده و نفر
انها را حبس در بنجر نموده و یار زده نفر دیگر را بقتل رسانیده
بودند

اردوگاه و محل اجتماع عساکر دولت روس تاکنون
شهر مسکو بود و علیحضرت امپراطور روس بعد از جلوس خود
و از داده است که محل اجتماع اردوی دولت روس را اینجا
بر داشته شده در شهر حروف نام که مابین مسکو و خوجه
مقرار دوی عساکر باشد

بجهت استخدام در خدمت عسکر فرانسه سابقاً از جانب
روس بقدر صد نفر صاحب منصب فرستاده بودند
بعد از آن بجهت خدمات بحریه چند نفر صاحب منصب دیگر
فرستاده شده و دولت فرانسه نیز درین باب سر
جانباده در این اوقات امپراطور روس بعبوم صاحب منصب